

به نام پروردگاریت

اخلاق زمین

نقد متون عرفانی و ادبی
با رویکرد اخلاق زیست محیطی

زهرا پارساپور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

اخلاق زمین

نقد متون عرفانی و ادبی
با رویکرد اخلاق زیست محیطی

مؤلف: زهرا پارساپور

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری و صفحه‌آرا: مهدیه دین‌پناه

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: پارساپور، زهرا، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق زمین: نقد متون عرفانی و ادبی با رویکرد اخلاق زیست‌محیطی / زهرا پارساپور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص؛ ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.

شابک: 978-622-6304-95-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۵] - ۲۱۴.

عنوان دیگر: نقد متون عرفانی و ادبی با رویکرد اخلاق زیست‌محیطی.

موضوع: حفاظت محیط زیست در ادبیات

موضوع: Environmental protection in literature

موضوع: اخلاق زیست‌محیطی

موضوع: Environmental ethics

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: PIR۴۰۰۹

رده بندی دیویی: ۸۳/۸۳۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۹۰۱۲۱

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
فصل اول: کلیات و تعاریف	۱۱
اخلاق	۱۱
محیط زیست.....	۱۴
اخلاق زیست محیطی	۱۵
ضرورت اخلاقی حفاظت از محیط زیست	۱۸
اخلاق زیست محیطی و عدالت.....	۲۰
عدالت بین‌نسلی	۲۳
فصل دوم: بررسی نظریه‌های اخلاق زیست محیطی در غرب	۲۵
رویکردهای اخلاق زیستی	۳۰
رویکرد انسان‌محور.....	۳۲
رویکرد غیرانسان‌محور	۳۸
سه رویکرد در اخلاق حیوانات.....	۴۰
نظریه‌های اخلاق غیرانسان‌محور.....	۴۲
تعمیم‌گرایی	۴۳
حیوان‌محوری	۴۶
زیست‌محوری	۴۸
بوم‌محوری	۵۰

۵۱	ملاحظه‌ عام یا عمومیت‌ نگری
۵۴	نظریه‌ فضیلت‌ زیست‌ محیطی
۵۵	نظریه‌ های‌ دیگر
۵۸	فصل سوم: اخلاق زیست‌ محیطی در متون اخلاق اسلامی
۵۸	مقدمه
۵۹	اخلاق زیست‌ محیطی در متون اخلاقی
۶۵	فصل چهارم: اخلاق زیست‌ محیطی در متون عرفانی
۶۷	شعور و آگاهی طبیعت
۷۳	آشتی عارف با طبیعت
۷۵	آزار نرساندن به جانوران
۷۹	طبیعت معلّم صوفی
۸۱	شکسته‌ شدن نگاه انسان محور در آموزه‌ های صوفیه
۸۴	فصل پنجم: اخلاق زیست‌ محیطی در قرآن و متون روایی
۸۸	اصلاح نگرش انسان به طبیعت در آیات و روایات
۸۸	ذی شعور بودن جهان طبیعت
۹۰	انسان، مالک مسئول
۹۳	گره خوردگی سرنوشت انسان و طبیعت
۹۵	نیازهای مادی و روحی انسان به طبیعت
۹۹	اخلاق هنجاری زیست‌ محیطی در آیات و روایات
۱۰۱	تعمیم‌ گرایی مفاهیم اخلاقی با ملاحظات زیست‌ محیطی
۱۰۹	فصل ششم: نمونه‌ های نقد داستان با ملاحظات اخلاق زیست‌ محیطی
۱۰۹	نقد دو داستان از صادق چوبک با رویکرد اخلاق زیست‌ محیطی
۱۱۱	زندگی نامه‌ صادق چوبک
۱۱۱	نقد داستان «چرا دریا طوفانی شده بود» با رویکرد اخلاق زیست‌ محیطی

فهرست ۵

۱۱۴.....	نقد داستان «ففس» با رویکرد اخلاق زیست محیطی
۱۱۹.....	استفاده از گوشت حیوانات از دیدگاه اخلاق زیست محیطی
۱۲۳.....	بهانه‌های گوشت‌خواری و پاسخ‌های پیتر سینگر
۱۲۴.....	مصرف گوشت در آموزه‌های اسلامی
۱۲۵.....	مقایسه دو داستان چوبک و هدایت از منظر اخلاق زیست محیطی
۱۲۹.....	لرزم خوانش زیست محیطی دو داستان
۱۳۶.....	دلایل منطقی و اقلناعی رعایت حقوق حیوانات
۱۴۹.....	نقد داستان «عدل» با رویکرد اخلاق زیست محیطی
۱۶۱.....	فصل هفتم: نقد اشعار زیست محیطی معاصر
۱۶۳.....	تعمیم‌گرایی در ادبیات سبز
۱۶۵.....	تعمیم اصطلاحات اخلاقی و حقوقی در شعر شاعران معاصر
۱۸۶.....	فهرست دفاتر و مجموعه‌های شعری بررسی شده
۱۸۸.....	اخلاق زمین در شعر سهراب
۲۰۵.....	فهرست منابع
۲۰۵.....	منابع فارسی
۲۱۲.....	منابع انگلیسی
۲۱۴.....	وبگاه‌ها

پیش‌گفتار

بروز بحران زیست‌محیطی بی‌شک به معنی نادرستی رفتار انسان با محیط زیست خود بوده است. می‌توان و باید برای کنترل این بحران و اصلاح و درمان وضع موجود از علوم مهندسی و تجربی بهره برد و در سازوکار توسعه تجدیدنظر کرد تا ادامهٔ حیات برای انسان و سایر موجودات ممکن شود؛ اما راه‌حل اساسی‌تر بازنگری در ریشه‌های فکری و فرهنگی است که این رفتار نادرست را رقم زده است. از این رو، غرب، چندین دهه است که در شاخه‌های مختلف علوم انسانی، ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای محیط زیست را احساس کرده است. در دو تحقیقی که پیش از این داشتم، مباحثی را در ارتباط با ادبیات و محیط زیست آغاز کردم و نقد بوم‌گرای آثار ادبی را سرآغازی برای خوانش جدید آثار ادبی قرار دادم. این نقدها به بررسی گزاره‌هایی انجامید که در آن‌ها باید و نباید و درستی و نادرستی رفتارهای بشری مطرح شد. مباحثی که به حوزهٔ اخلاق و فرااخلاق ربط داشت و نیازمند آن بود تا با بازنگری در کتب اخلاقی پیشین و نیز مباحث جدیدی که در اخلاق زیست‌محیطی مطرح شده است جایگاه این گزاره‌ها روشن شود. ورود به این وادی رویکرد تازه‌ای را به آثار اخلاقی و ادبی در پی داشت که آن رویکرد اخلاق زیست‌محیطی بود.

اخلاق زیست‌محیطی^۱ رشته‌ای در فلسفه است که به مطالعهٔ رابطهٔ اخلاقی انسان با محیط زیست و عناصر غیرانسانی اش و نیز ارزش و جایگاه

اخلاقی آن‌ها می‌پردازد. شکل‌گیری این شاخه از فلسفه به دهه هفتم قرن بیستم بازمی‌گردد؛ زمانی که ضرورت بازنگری به رابطه انسان با محیط زیست، با توجه به بحران زیست‌محیطی در غرب، احساس شد. شکل‌گیری این شاخه از فلسفه کاربردی، خود بیانگر عدم کفایت اخلاق سنتی غرب در شکل‌دهی رابطه صحیح میان انسان با طبیعت است. سؤالی که در آغاز این تحقیق به نظر رسید این بود که آیا به‌راستی در متون اخلاقی گذشته ما نیز رابطه اخلاقی میان انسان با سایر موجودات لحاظ نشده است؟ اصولاً رابطه انسان با موجودات دیگر چگونه تعریف شده است؟ آیا می‌توان گفت که اخلاق سنتی ما انسان‌محور است؟ آیا لزوماً اخلاق زیست‌محیطی نباید انسان‌محور باشد؟ آیا تفاوتی در این زمینه‌ها میان متون اخلاقی فلسفی، عرفانی و متأثر وجود دارد؟ آیا متون اخلاقی سنتی ما ظرفیت آن را دارد که اصول اخلاق زیست‌محیطی را از آن‌ها استخراج کرد و براساس همان اصول آثار ادبی را به‌بوتۀ نقد گذاشت؟ موضع متون ادبی کلاسیک و معاصر ما در این زمینه چگونه است؟ آیا در همه متون ادبی گذشته نگرش به طبیعت و محیط زیست یکسان بوده است؟ و سرانجام این‌که آیا می‌توانیم متون ادبی را با رویکرد اخلاق زیست‌محیطی نقد کنیم؟ در این پژوهش نخست با مرور آثار کلاسیک اخلاقی، علاوه بر جمع‌آوری آموزه‌های پراکنده‌ای که در کتب مختلف اخلاقی اعم از اخلاق فلسفی، روایی و عرفانی آمده است، موضع و نگرش اخلاق سنتی را در مورد رابطه انسان با سایر موجودات و محیط زیستش روشن کنیم. همچنین تا حد امکان تلاش شده است تا به شناسایی و معرفی و نقد نظریه‌های تازه‌ای بپردازیم که با رویکرد غیرانسان‌محور در حوزه اخلاق زیست‌محیطی غرب ارائه شده است.

سرانجام با چنین رویکردی به سراغ تعدادی از آثار ادبی معاصر، اعم از شعر و داستان، رفتیم و با رویکرد اخلاق زیست‌محیطی به نقد آن‌ها

پیش‌گفتار ۹

پرداختیم. البته در ضمن این نقدها روشن نمودیم که هر یک از این آثار به کدام نظریه یا دستورالعمل اخلاقی نزدیک‌تر است.

در طول این پژوهش، منابع متعددی در حوزه اخلاق، ادبیات و محیط زیست خوانده و مرور شد و برای یافتن گزاره‌ها و نمونه‌های مرتبط با این حوزه تلاش فراوانی در متون کلاسیک و معاصر صورت گرفت. با بررسی آثار ادبی، نتیجه‌ای که حاصل شد این بود که در ادبیات معاصر نمونه‌هایی از شعروداستان دیده می‌شود که، برخلاف سنت ادبی، طبیعت در آن‌ها همیشه شکل ایده‌آل، ثابت و خیالی ندارد. این تصویر ثابت از طبیعت خواننده را از نتیجه دست‌اندازی‌های مخرب انسان غافل می‌سازد. غفلتی که ناشی از یکی از باورهای غلط انسان درباره طبیعت است و آن این‌که طبیعت به شکل جادویی همواره خود را ترمیم می‌کند. گویی او موظف است تا پیوسته به همین شکل به انسان ارائه خدمت نماید؛ رودخانه و دریایش باید همیشه پُر آب و زلال باشد، خاکش حاصل‌خیز باشد، آسمانش صاف و هوایش پاک باشد و سرانجام مجموعه موجودات موظف‌اند خوراک و نیازهای او را تأمین کنند. هرچند گاهی این باور غلط، با ظهور علائمی در محیط زیست اطراف بشر، به‌عینه شکسته شده است؛ اما در آثار ادبی این باور همچنان متجلی بود. ظهور معدود آثار ادبی جدید، که در آن‌ها از محوریت انسان کاسته شده است، در شکستن این باورها و سنت‌های نادرست مؤثر است. آثاری که نگرش و منش تازه‌ای را در رابطه انسان و طبیعت جایگزین عادات و باورهای غلط می‌سازد و اخلاق زیست‌محیطی را ترویج کند.

همچنین در این نمونه‌های نه‌چندان زیاد، محوریت اثر با انسان و دغدغه‌های انسانی نیست، بلکه نویسنده و یا شاعر با داشتن دغدغه‌های زیست‌محیطی قادر است مشکلات سایر جانداران، گیاهان و حتی غیرجانداران را درک کند؛ کمی از نیازها، مصالح و احساسات شخصی

خود فاصله بگیرد و از منافع و مصالح و احساس سایر موجودات نیز سخن بگوید؛ از خود بیرون بیاید و با درک تازه‌ای عملکرد، اندیشه و فرهنگ موروثی را بازنگری نماید؛ از باورها و عقایدی که در گذشته به ذهن و فکراو سایه انداخته دور شود و با نگاه و دغدغه تازه و عمیق‌تری به طبیعت پیرامون خود بنگرد. ممکن است گفته شود که در ادبیات کلاسیک نیز ما با شخصیت‌های حیوانی و غیرانسان مواجه می‌شویم، اما همان‌طور که می‌دانیم این شخصیت‌ها نمادین هستند و مسائل مرتبط با جهان انسانی را مطرح می‌کنند که ربطی به دنیای خود آن‌ها ندارد. در حقیقت نویسنده و شاعر دغدغه‌های انسانی را در جامعه تمثیل بیان می‌کند و همه موجودات به شکلی نمادین نمایشی را بازی می‌کنند که سناریوی آن در جامعه انسانی شکل گرفته است.

در این تحقیق سعی بر این بوده است تا با بررسی نمونه‌های داستانی و شعری، نگاه‌های تازه‌ای را که در این آثار به تصویر کشیده شده برجسته کنیم و سپس ارتباط این نگاه را با آموزه‌های اخلاق سنتی و نیز نظریه‌های جدیدی که در حوزه اخلاق زیست‌محیطی ارائه شده است بیان نماییم. با توجه به شروع مطالعات این جانب در این زمینه، یعنی سال ۱۳۹۳، این تلاش نخستین گام در چنین راهی بود که در کنار دشواری‌ها، شیرینی و تازگی خاص خود را داشت. ولی بی‌شک ناهمواری این راه و بینارشته‌ای بودن آن می‌تواند کاستی‌هایی را در فهم و انتقال مطالب به همراه داشته باشد که پیشاپیش از اصحاب فکر و قلم می‌خواهم که با نقدها و راهنمایی‌های سازنده خود مرا در اصلاح آن یاری فرمایند. در پایان لازم است از جناب آقای حسین فتحعلی، مترجم محترم، که مرا در دسترسی و ترجمه متون لاتین یاری نمودند، تشکر و سپاس‌گزاری کنم.

فصل اول

کلیات و تعاریف

اخلاق

در فرهنگ غرب، واژه اخلاق (ethics) از کلمه یونانی ethos، به معنی آداب و رسوم، گرفته شده است. اصطلاح اخلاق، هم به عنوان یک شاخه از فلسفه و هم در کاربردهایش در غرب، اصطلاحی پیچیده و بحث برانگیز بوده است. اساسی ترین سؤال اخلاقی، که سقراط آن را پیش می کشد، این است که فرد چگونه باید به بهترین شکل زندگی کند؟ یا این که بهترین عملی که فرد باید انجام دهد، کدام است؟ (Curry, 2011: 28) این سؤال نشان می دهد که اخلاق از منظر او با ریشه یونانی اش یعنی آداب و رسوم فاصله دارد و صحبت از بایدها و نبایدهاست. اما به مرور، این خلط بین معنای واژگانی و اصطلاح فلسفی آن در غرب شکل گرفت و تا امروز ادامه دارد. بی شک از آن چه در رفتارهای مردم ظهور و نمود پیدا می کند، تعبیر به آداب و رسوم می کنیم؛ اما زمانی که درباره دیدگاه های فلسفی در حوزه های مختلف اخلاق صحبت می کنیم، با بایدها و نبایدها سروکار داریم. بنابراین ممکن است میان بایدها و نبایدهای ما در اخلاق زیست محیطی با آن چه در آداب و رسوم ما رایج است فاصله باشد.

البته در ادبیات فارسی هم این خلط در واژه «ادب» صورت گرفته است. واژه ای که جمع آن «آداب» است و به رسوم معمول جامعه اطلاق

می‌شود و از سوی دیگر، گاهی معادل با واژه اخلاق به کار رفته است. دهخدا، معانی گوناگون این واژه را از متون مختلف استخراج نموده است: «دانش، فن و هنر، تأدیب، زیرکی، آیین و راه و رسم و...»؛ اما ادب به معنای «حُسن معاشرت، اخلاق حسنه، فضیلت و اجتماع صفات حمیده» نیز هست. اکنون به ابیاتی، که این معانی در آن برجسته است، نگاهی می‌اندازیم:

اگرچه پیش خردمند خامشی ادب است به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی
(سعدی، ۱۳۲۱: ۷۷)

سلطان معظّم ملک عادل مسعود کمتر ادبش حلم و فروتر هنرش جود
(منوچهری، ۱۳۳۸: ۱۵۲)

همچنین اصطلاح «ادب النفس» را در مقابل «ادب الدرس» — که به اخلاق حسنه، اطلاق می‌شود — آورده‌اند و آن را برخلاف ادب درس که اکتسابی است، امری ذاتی قلمداد کرده‌اند.^۱ جرجانی از واژه ادب، چنین تعریفی را ارائه داده است: «ادب عبارت است از شناختن اموری که انسان به وسیله آن از همه خطاها مصون می‌ماند.» (به نقل از دهخدا، ذیل واژه ادب). با این توضیحات، ادب هم شامل ادبیات، هم شامل اخلاق، و هم دربرگیرنده آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی می‌شود. به نظر می‌رسد این اشتراک لفظ، در عمل نیز بر روی برداشت کاربران

۱. در مورد واژه اخلاق و این که اخلاق امری اکتسابی و یا سرشته‌ای است، در متون فلسفی گذشته مباحث مفصلی مطرح شده است و در میان فلاسفه اتفاق نظر مشاهده نمی‌شود. این اختلاف نیز به نظر می‌رسد، چنان که راغب اصفهانی می‌گوید، ناشی از اشتراک ریشه دو واژه خُلِق و خَلِق باشد که هر دو از یک ریشه هستند: «وَ الْخَلْقُ وَ الْخُلُقُ فِي الْأَصْلِ وَاحِدٌ كَالشَّرْبِ وَ الصَّرْمِ وَ الصَّبْرِ لَكِنْ خَصَّ الْخُلُقُ بِالْهَيْئَاتِ وَ الْأَشْكَالِ وَ الصُّورِ الْمَدْرَكَةِ بِالْبَصْرِ وَ خَصَّ الْخُلُقُ بِالْقَوِي وَ السَّجَايَا الْمَدْرَكَةَ بِالْبَصِيرَةِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقِي عَظِيمٌ.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳: ۱۵۸)

زبان از ادبیات و آداب و رسوم تأثیرگذار است؛ و موجب برداشت‌های نادرستی در چند حوزه ادبیات، اخلاق، آداب و رسوم و حتی دانش و فن می‌شود. از آن جمله:

الف) آداب و رسوم پذیرفته‌شده در هر فرهنگی را اخلاقی نیز فرض می‌کنند و سرپیچی از این آداب و رسوم را عملی ضد اخلاقی تلقی نمایند.
ب) هر اثر ادبی را لزوماً اثری اخلاقی تلقی کنند و یا این که انتظار داشته باشند هر اثر ادبی الزاماً اخلاقی باشد. نقد اخلاقی آثار ادبی می‌تواند ناشی از این نگرش باشد. نخستین بار افلاطون با چنین رویکردی به نقد ادبیات و آثار ادبی پرداخت.

ج) داشتن دانش و فن و هنر را امری اخلاقی تلقی کنند که ناشی از خلط مبحث در کاربرد واژه «ادب» در متون ادبی و اخلاقی است. به نظر می‌رسد همین اشتراک لفظ موجب شده است که در متون تعلیمی مانند «قابوسنامه» آموزش فن، مهارت، دانش و یا حتی آداب و رسوم در کنار دستورالعمل‌های اخلاق مطرح شود.

نکته قابل تأمل این که این اشتراک لفظ می‌تواند شبهه نسبی‌گرایی اخلاقی را ایجاد کند. چراکه با دیدن تنوع و اختلاف آداب و رسوم و ارزش‌ها در جوامع مختلف این تصور می‌رود که اصول اخلاقی نیز بخشی از باورها و آداب و رسوم است که به شکلی قراردادی در جوامع و زمان‌های مختلف رایج شده است و بنابراین مبتنی بر سلیقه فردی و گروهی است. نسبی‌گرایان در حوزه اخلاق دقیقاً با همین استدلال قائل به اصول اخلاقی ثابت نیستند. «نسبیت‌گراها بر آن‌اند که استانداردهای اخلاقی وابسته به اعتقادات شخصی، احساسات، فرهنگ، دین و غیره هستند، از آن‌جا که اعتقادات، احساسات، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف هستند، روشی منطقی برای حل و فصل تفاوت‌های اخلاقی وجود ندارد.» (دژاردن، ۱۳۹۶: ۵۰) اگر، با توجه به توضیحاتی که داده شد، حوزه اخلاق را از آداب و رسوم و از

دستورالعمل‌های دینی که مرتبط با شریعت خاص است جدا کنیم، دیگر این ادعای مطرح شده در قول دژاردن درست نخواهد بود. مباحث مطرح شده در مورد خلط حوزه اخلاق با ادبیات و فن و هنر در برداشت ما از حوزه اخلاق زیست محیطی نیز می‌تواند مهم تلقی شود. برای نمونه، این‌که رابطه اخلاقی انسان با طبیعت مبتنی بر یک امر سرشتین ثابت است و یا نتیجه تعلیم و تعلم و تجربه و آموزه‌های موروثی انباشته است، می‌تواند در نوع مواجهه ما با طبیعت و بازنگری رفتار ما مؤثر باشد.

محیط زیست

در تعریفی کلی، محیط زیست آن جایی است که ما را احاطه کرده است، یعنی آن‌چه ما بر آن اثر می‌گذاریم و نیز آن‌چه ما از آن متأثر می‌شویم تشکیل دهنده محیط زیست ماست. (سلطانی، ۱۳۶۵: ۴)

سلطانی محیط زیست را به سه بخش محیط زیست طبیعی، محیط زیست مصنوعی یا شهری و محیط زیست اجتماعی تقسیم می‌کند. (همان: ۶) «یونسکو» در تعریفی موسع، از اصطلاح «بیوسفر»^۱ یا «لایه حیاتی» برای محیط زیست نام برده است. بیوسفر عبارت است از: محیط زندگی بشر؛ یا آن بخش از جهان، که بنا بر دانش کنونی آدمی، همه حیات در آن استمرار دارد. (اکبری، ۱۳۸۹: ۱۶۴) در بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد، محیط زیست شامل همه یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده محیط طبیعی است، اعم از آب و هوا و خاک، که در حالت طبیعی یا توسط انسان ساخته شده است. در تعریف متفاوتی که در شورای جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۶۷ ارائه شد، محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است. تفاوت این تعریف با سایر تعاریف در آن است که محیط زیست را منحصر به

1. Biosphere

محیط زیست نوع انسان نمی‌کند، بلکه براساس این تعریف، هر موجود زنده‌ای محیط زیست دارد و اگر قرار است انسان اخلاق زیست محیطی را رعایت کند، دامنه ملاحظات او تنها به محیط زیست خودش محدود نمی‌شود، بلکه خود را موظف می‌بیند که به سلامت محیط زیست سایر موجودات، حتی موجودی که در قطب زندگی می‌کند، نیز توجه داشته باشد و این دقیقاً آن چیزی است که می‌تواند موجب نجات کل زیست کره زمین، در درازمدت گردد.

اخلاق زیست محیطی

با توجه به تعریفی که از دواصطلاح اخلاق و محیط زیست بیان شد، اخلاق زیست محیطی به بررسی درستی یا نادرستی رفتار ما با محیط زیست می‌پردازد. اخلاق زیست محیطی (Inviromental Ethics) رشته‌ای در فلسفه کاربردی است که به مطالعه رابطه اخلاقی انسان با محیط زیست و عناصر غیرانسانی اش، و نیز ارزش و جایگاه اخلاقی آنها، می‌پردازد. اخلاق زیست محیطی مجموعه‌ای از اصول فکری و رفتاری انسان است که به حفظ مجموعه نظام انسان و طبیعت تأکید دارد. بنابراین نقش اصلی اخلاق زیست محیطی ایجاد موانع اخلاق درونی در آحاد جامعه و ایجاد محرّمات و منع‌های درونی برای انجام کارها در مواجهه طبیعت است. (sensin, PI به نقل از عابدی سروسستانی، ۱۳۹۱: ۳۰) اخلاق زیست محیطی بر این باور است که هنجارهای اخلاقی می‌توانند و باید بر رفتار انسان با دنیای طبیعی حکمرانی کنند. بنابراین نظریه اخلاق زیست محیطی باید بتواند چستی این هنجارها، مسئولیت در قبال انسان و چگونگی اجرای این مسئولیت‌ها را تشریح کند. (دژاردن، ۱۳۹۶: ۵۳)

این شاخه از اخلاق از دل فلسفه کاربردی در اوایل دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد و شامل مباحث زیر است:

۱. به چالش کشیدن انسان محوری موجود در تفکر سنتی اخلاقی در غرب؛^۱
۲. ارتباط بوم‌شناسی ژرف، اخلاق زیست‌محیطی فمینیستی و بوم‌شناسی اجتماعی با سیاست؛
۳. تلاش برای به‌کارگیری نظریه‌های سنتی اخلاق، نظیر نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و اخلاق فضیلت، برای حمایت از دغدغه‌های زیست‌محیطی معاصر؛
۴. تمرکز ادبیات محیط زیست بر روی طبیعت بکر و وحشی و پیشرفت‌های احتمالی این رشته در آینده.^۲ (Stanford Encyclopedia of Philosophy به نقل از نوروزی و فتحعلی، ۱۳۹۲: ۱۴۱)

همان‌طور که ملاحظه شد، قدمت این شاخه از فلسفه به نیمه دوم قرن بیستم برمی‌گردد. به عبارت دیگر ضرورت شکل‌گیری این شاخه پاسخ فلسفه به بحران محیط زیست بود و بنابراین پیش از آن در مباحث فلسفی جایگاه قابل توجهی نداشت. اخلاق در گذشته به بخشی از حکمت اطلاق می‌شد. فلاسفه حکمت را به دو بخش حکمت نظری و حکمت عملی و حکمت عملی را به اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدن تقسیم کرده‌اند. اگر حکمت عملی را از منظری نومجموعه بایدها و نبایدها بدانیم، همه بخش‌های حکمت عملی، در حوزه اخلاق جای می‌گیرند؛ با این تفاوت که دامنه آن‌ها از فرد به خانواده و جامعه گسترش می‌یابد. اما این گسترش، شامل اخلاق زیست‌محیطی نمی‌شد، از این رو بایدها و نبایدهای اخلاق زیست‌محیطی در اخلاق فلسفی، که بر بیشتر کتاب‌های اخلاقی کهن حاکم است، جایی ندارد. مروری بر کتاب‌های اخلاقی گذشته ما – همچون کیمیای سعادت، گلستان، بوستان، قابوسنامه، اخلاق ناصری و تهذیب‌الاخلاق – نشان می‌دهد که مباحث اخلاقی به سه نوع رابطه

۱. شماره ۲ در این فهرست به دلیل عدم سنخیت حذف شد. این بند عبارت بود از: «تکوین اولیه این رشته در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰»

انسان با خدا، با خودش و با انسان‌های دیگر محدود می‌شود و اگر حکایتی یا صحبتی از رابطه انسان با سایر موجودات مطرح شده، بسیار گذرا و در حاشیه است. برای مثال چهار رکن مسلمانی در کتاب کیمیای سعادت امام محمد غزالی عبارت است از عبادات، معاملات، مهلکات و منجیات و در ذیل این چهار رکن آن چه آمده است به باید و نبایدهای رابطه انسان با خودش، با انسان‌های دیگر و با خداوند پرداخته است.

آموزه‌های سعدی در گلستان و بوستان در ذیل باب‌هایی آورده می‌شود که تمامی به همان سه نوع رابطه مذکور برمی‌گردد. در عین حال سعدی در این آموزه‌ها مدام جهان حیوانات را با جهان انسان‌ها مقایسه می‌کند و البته در این مقایسه‌ها، ارزش داوری‌هایی نیز در باب رفتار حیوانات دارد، به گونه‌ای که در موارد بسیاری جهان حیوانات در این آموزه‌ها از لحاظ اخلاقی با جهان انسانی مقایسه می‌شوند. گاه خصلت‌های غیر اخلاقی و ناپسند با ویژگی‌های حیوانات پیوند داده می‌شوند؛ برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: «ده آدمی بر سفره‌ای بخورند و دو سگ بر مرداری به هم به سرنبرند.» (سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۵) همین‌طور در جای دیگر به نقل از تصانیف حکما آمده است که کژدم در خردی شکم مادرش را می‌درد و احساس آن را می‌خورد و این رفتار او را، که موجب می‌شود در بزرگی این گونه منفور باشد، با رفتار انسان‌هایی مقایسه می‌کند که در جوانی با والدین خود رفتار صحیحی نداشتند. البته سعدی همه جا رفتار حیوانات را الگوی نادرست تلقی نمی‌کند، بلکه گاه آن‌ها را الگوی انسان‌ها و سرمشق طبیعی رفتار آن‌ها می‌داند. برای مثال شسیر و باز را در تلاش برای طلب رزق و روزی سرمشق انسان‌ها می‌داند و هم‌زمان رفتار عنکبوت را تقبیح می‌کند:

چه خورد شیرش‌رزه در بن غار؟	باز افتاده را چه قوت بود؟
گر تو در خانه صید خواهی کرد	دست و پایت چو عنکبوت بود

به هر روی ذکر نام حیوانات در این متون به معنی خروج از انسان محوری و توجه به حقوق حیوانات نیست، بلکه همچنان رابطه اخلاقی انسان‌ها با یکدیگر مطرح است. در این میان معدود حکایاتی، به خصوص در شیوه زیست عارفان، دیده می‌شود که به نوعی انسان محوری را مورد نقد قرار می‌دهد که در مباحث بعدی درباره آن‌ها سخن خواهیم گفت.

ضرورت اخلاقی حفاظت از محیط زیست

به طور کلی، در علم اخلاق باید به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود؛ سؤال اول این که «چه باید انجام دهیم؟» که حوزه عملی علم اخلاق به پاسخ آن می‌پردازد و سؤال دوم این که «چرا باید انجام دهیم؟» که پاسخ آن در حوزه نظری علم اخلاق گنجانده می‌شود. براین اساس سؤالی که در ابتدای ورود به حوزه اخلاق زیست محیطی مطرح می‌شود این است که اصولاً لزوم ورود فلسفه و اخلاق به مباحث زیست محیطی چیست؟ چه لزومی دارد که ما، دغدغه رعایت اخلاق را در قبال غیرانسان‌ها داشته باشیم؟ این سؤال به بخش «نظری» اخلاق زیست محیطی مربوط می‌شود. در این بخش ما در پی بیان پاسخ‌هایی هستیم که به سؤال دوم داده شده است. بخشی از این پاسخ‌ها صرفاً به ضرورت‌های بیرونی و کارکرد اخلاق زیست محیطی در مواجهه با بحران زیست محیطی اشاره دارند.

دژاردن در کتاب خود مبحثی با عنوان «چرا فلسفه؟» را مطرح می‌کند و در ذیل آن ضرورت پرداختن فلسفه و اخلاق را به چالش بحران محیط زیست مطرح می‌کند. او در آغاز این مبحث به عدد تخمینی انقراض صد گونه حیوان در روز اشاره می‌کند که ممکن است در دهه‌های پیش رو این عدد دو یا سه برابر شود. کاهش و آلودگی منابع طبیعی، افزایش جمعیت به ویژه در چند دهه گذشته، افزایش پسماندهای سمی و مرگ بار در جهان، تخریب بخشی از لایه ازن، افزایش گازهای گل‌خانه‌ای همه و همه توجه به

مسائل زیست‌محیطی را در اولویت قرار داده است. بی‌تردید رشد افسارگسیخته علم و فناوری در پدیدآوردن برخی از این مشکلات سهیم است، اما برای مقابله با این چالش‌ها نیز باید مجدداً به علم و فناوری، اطلاعات منطقی و بی‌طرفانه آن تکیه کنیم. دژاردن معتقد است اعتماد کورکورانه به علم و فناوری به همان اندازه غیرمنطقی است که به صاحب‌نظران سیاسی! از این رو فلسفه و انگاشت‌های فلسفی همواره باید درگیر تصمیماتی باشند که متخصصان علم و فناوری پیشنهاد می‌دهند. پیام اصلی راشل کارسون در کتاب *بهار خاموش* همین بود که نباید مشکلات زیست‌محیطی را صرفاً مشکلات فنی بدانیم و راه‌حل آن را از متخصصان طلب کنیم چراکه این مشکلات به همان اندازه که شاخه‌های مختلف علم را درگیر می‌کند، سؤالات اساسی را در حوزه فلسفه و اخلاق شکل می‌دهد و در صورتی که به آن‌ها نپردازیم با مشکلات جدید زیست‌محیطی مواجه خواهیم شد. (دژاردن، ۱۳۹۶: ۳۰-۴۸)

فلاسفه و علمای علم اخلاق زیست‌محیطی درباره ضرورت توجه به اخلاق زیست‌محیطی و لزوم در نظر گرفتن سایر موجودات در ملاحظات اخلاقی دو رویکرد متفاوت دارند که این دو رویکرد نظریه‌های متنوع و متمایزی را نیز با خود به همراه داشته است.

یک رویکرد ضرورت توجه به اخلاق زیست‌محیطی را با اهمیت داشتن محیط زیستی درست و سالم، به منظور تأمین رفاه انسان، پیوند زده است. این رویکرد در حوزه اخلاق (انسانی) سنتی قرار می‌گیرد، و فلاسفه از سال‌ها پیش آن را بررسی کرده‌اند. این دیدگاه حاکی از نوعی انسان‌محوری است و رعایت ملاحظات اخلاقی در قبال سایر موجودات صرفاً در جهت تأمین منافع حال و آینده انسان‌ها صورت می‌گیرد. اما در رویکرد دوم اجزای محیط زیست (یعنی گونه‌های دیگر، ارگانیسم‌های انفرادی و شاید حتی صخره‌ها و رودها و کوه‌ها) نیز از منظر اخلاقی اهمیت دارند. (Sarkar,)

38: 2012) در این رویکرد - که عمرچندانی از نظریه‌های مطرح‌شده در آن نمی‌گذرد - تلاش می‌کنند برای همه پدیده‌های زیست‌محیطی ارزش و حقوقی اخلاقی لحاظ کنند، آن‌هم بدون در نظر گرفتن این‌که برای انسان مفید هستند یا خیر. درباره این دو رویکرد و معایب و مضار آن به تفصیل سخن خواهیم گفت. در هر حال رعایت کردن اخلاق زیست‌محیطی، چه برای حفظ منافع انسان و چه به منظور در نظر گرفتن منافع و حقوق حیوانات و گیاهان، به‌ویژه بعد از بحران محیط زیست، امری معقول و منطقی و اخلاقی قلمداد شده است.

اخلاق زیست‌محیطی و عدالت

همان‌طور که می‌دانیم «عدالت» از مفاهیم بنیادین در اخلاق سنتی است. واژه «عدالت» در اخلاق سنتی ما در تقابل با «ظلم» تعریف می‌شود و از آن تعاریف متعددی ارائه شده است. در اخلاق ارسطویی، عدالت حد وسط هر چیزی تعریف شده است و منشأ همه فضیلت‌هاست. هر چند عدالت در سطح لغوی گاهی هم‌معنای «مساوات» تلقی می‌شود، اما در حیطه اصلاحی، لزوماً مترادف با مساوات نیست؛ بلکه به معنی اعتدال و میانه‌روی در امور و دادن حق به صاحب حق آمده است و یا به معنای حق چیزی را ادا کردن. «شایع‌ترین تعریف عدالت این است که هر کس هر آن‌چه سزاوار است دریافت نماید.» (علیا، ۱۳۹۱: ۵۹)

اکنون با مرور این تعاریف از فضیلت عدالت باید ببینیم جایگاه عدالت در اخلاق زیست‌محیطی کجاست؟ در غرب، حساسیت‌های زیست‌محیطی منجر به شکل‌گیری مفهوم عدالت زیست‌محیطی شده است. این مفهوم در آمریکا در سال ۱۹۸۰ شکل گرفت و دو کاربرد کاملاً متمایز یافت. کاربرد اول و عمومی‌تر آن در مورد جنبشی اجتماعی در آمریکا است که بر روی توزیع عادلانه منافع و ظرفیت‌های زیست‌محیطی